



درس فارغ فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: کاهش ارزش پول و بررسی آثار فقهی آن

تاریخ: ۵ دی ۱۴۰۲

مصادف با: ۱۲ جمادی الثانی ۱۴۴۵

موضوع جزئی: موضوع شناسی: ۱. پول - تحلیل ماهیت پول - نظریه شهید صدر (قدرت خرید) -

عوامل مؤثر در قدرت خرید - نظر شهید صدر درباره ذخیره ارزش بودن پول (قدرت خرید)

جلسه: ۱۸

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

بحث در تحلیل ماهیت پول بود؛ عرض کردیم انظار مختلفی در این رابطه بیان شده است. چون غرض ما بیشتر بررسی آثار فقهی کاهش ارزش پول است و می‌خواهیم ببینیم با کاهش ارزش پول، ضمان ثابت می‌شود یا نه، ناچاریم نظر فقها و مبنای آنها را در باب ماهیت پول بدانیم، که هر یک بر چه اساسی فتوا به ضمان یا عدم ضمان داده‌اند. این بحث بعدی ماست؛ الان عمدتاً آراء و انظاری که درباره ماهیت پول ذکر شده را بررسی می‌کنیم. نظر اول که مرحوم شهید صدر آن را اختیار کرده، این است که حقیقت پول در واقع قدرت خرید است؛ ماهیت پول، قدرت خرید است؛ منظور از قدرت خرید هم یعنی آن مقدار کالا یا خدماتی که در لحظه می‌توان خرید. به مناسبت، بحث از مقدار ارزش به میان آمد؛ البته گفتیم این ابداع خود شهید صدر نیست و این ریشه در مبنای برخی از اقتصاددانان دارد، اما ایشان این را پذیرفته است. همچنین عرض کردیم این نظریه با اینکه ناظر به پول اعتباری است، اما می‌تواند شامل پول حقیقی هم شود. بعد درباره برابری قدرت خرید مطلبی را عرض کردیم. چون دو هفته از آخرین جلسه این بحث گذشته، اشاره‌ای به مطالب گذشته داشتم.

عوامل مؤثر در قدرت خرید

عواملی در قدرت خرید مؤثر است؛ نظریه قدرت خرید صرف نظر از اینکه در میان برخی اقتصاددانان پذیرفته شده، در دایره مباحث فقهی هم کاملاً اثرگذار است. لذا یک مقداری این نظریه را در حدی که با برخی از ابعاد آن آشنا شوید، شرح داده و شرح می‌دهم. البته این نظریه توسط برخی دیگر با تغییراتی پذیرفته شده است؛ مثلاً مرحوم آقای هاشمی شاهرودی که از شاگردان آقای صدر محسوب می‌شود، تقریباً همین نظر را دارد ولی در عین حال یک تفاوتی بین نظر ایشان و نظر استادشان وجود دارد که این را اشاره خواهیم کرد. به هر حال چند عامل در قدرت خرید اثرگذار است؛ یعنی می‌تواند باعث افزایش قدرت خرید یا کاهش آن شود. اگر ما حقیقت پول را قدرت خرید دانستیم، در واقع این عوامل به کاهش ارزش پول یا افزایش ارزش پول کمک می‌کنند.

۱. عرضه و تقاضا

یکی از مهم‌ترین این عوامل، عرضه و تقاضا است. شما نام قانون عرضه و تقاضا را شنیده‌اید؛ وقتی عرضه از تقاضا بیشتر باشد، باعث افزایش قدرت خرید است. اگر یک کالایی بیش از تقاضا در بازار موجود باشد، طبیعتاً این یکی از عواملی است که در قدرت خرید تأثیر می‌گذارد؛ البته تنها عامل نیست، لذا نگوئید که این همه اجناس در بازار هست ولی گران است. به دلایل دیگری قدرت خرید کاهش پیدا کرده، لذا این اجناس گاهی روی دست فروشندگان می‌ماند. اگر تقاضا بیش از عرضه

باشد و یک جنسی کمیاب شود، این خود به خود قدرت خرید را کاهش می‌دهد یا ارزش پول را کم می‌کند.

۲. تورم

عامل دوم، تورم است؛ یکی از عواملی که موجب افزایش قدرت خرید است، نرخ پایین تورم است و نرخ بالای تورم باعث کاهش قدرت خرید می‌شود؛ یا به تعبیر دیگر بالا و پایین رفتن نرخ تورم موجب افزایش یا کاهش ارزش پول می‌شود. وقتی قیمت اجناس بالا باشد، مردم کمتر قدرت دارند بخرند. الان مثلاً قیمت آب در کشور ما پایین است، قیمت انرژی به نسبت همه جای دنیا پایین است، لذا شما می‌بینید بی‌رویه مصرف می‌شود؛ چون ارزان‌تر است، قدرت خرید بیشتر است، لذا مصرف بیشتری صورت می‌گیرد؛ اما آن چیزهایی که گرفتار تورم‌اند، طبیعتاً قدرت خرید را کاهش می‌دهند. البته افزایش قیمت غیر از تورم است و ما این را قبلاً گفتیم؛ تورم یک چیز است، افزایش قیمت یک امر دیگری است، که بعداً بیشتر در این باره صحبت خواهیم کرد.

۳. نرخ بهره و اعتبار

عامل دیگر، نرخ بهره و اعتبار است. اگر کسی پول بیشتری در اختیار داشته باشد، طبیعتاً قدرت خرید او بیشتر است؛ گاهی پول حقیقتاً متعلق به شخص است و خودش از این پول برای مصارف مورد نیازش استفاده می‌کند. اگر پول به اندازه کافی برای صرف در موارد نیاز و احتیاج وجود نداشته باشد، به سراغ اعتبار و وام می‌روند؛ البته شکل وام و اعتبار نوعاً معلوم است، گاهی کسانی برای دریافت وام مراجعه می‌کنند و کسری نیازهای خودشان را از طریق وام تأمین می‌کنند. اما یک روش دیگری که شاید در دنیا بیشتر مرسوم است و اینجا هم هست ولی کمتر، طریق اعتباری است؛ یعنی بانک‌ها یا خود فروشندگان کارت‌هایی را به عنوان کارت‌های اعتباری در اختیار خریداران قرار می‌دهند که کأن با یک اعتباری که از سوی بانک یا مجموعه فروشنده تأمین می‌شود به صورت وام، امکان خرید را فراهم می‌کند. طبیعتاً این اعتباری که در اختیار مصرف‌کننده قرار می‌گیرد، با یک نرخ به عنوان بهره محاسبه می‌شود و باید بازگردانده شود. مثلاً الان یک کسی می‌خواهد فرش بخرد ولی پول ندارد، این فرش را به وسیله یک کارت اعتباری می‌خرد؛ پولش را پرداخت می‌کند ولی کأن این مثل یک وامی است که باید ماهانه به همراه یک اضافه‌ای آن را برگرداند. اگر نرخ بهره کمتر باشد، قدرت خرید بیشتر می‌شود؛ به عبارت دیگر این وام‌ها و اعتبارات درست است در یک مقطعی قدرت خرید را بالا می‌برند اما در درازمدت قدرت خرید را پایین می‌آورند؛ چون بالاخره این شخص باید وام یا اعتبار دریافت شده را با یک بهره‌ای برگرداند. این مجموعه نهایتاً منجر به کاهش قدرت خرید می‌شود؛ در بازه بلندمدت این اثر را دارد.

۴. نرخ مالیات

از دیگر عواملی که در قدرت خرید تأثیر دارد، نرخ مالیات است. مالیات چیزی است که توسط دولت دریافت می‌شود؛ انواع و اقسام مالیات‌ها توسط شهرداری‌ها، سازمان‌ها و دولت از مردم دریافت می‌شود. طبیعتاً هر رقمی که به عنوان مالیات از مردم دریافت می‌شود، باعث کاهش قدرت خرید می‌شود. چون یک مقداری از درآمد واقعی مصرف‌کننده را کم می‌کند، ولو درصد آن کم باشد. به طور کلی مالیات بیشتر بر درآمدهای واقعی موجب کاسته شدن از قدرت خرید می‌شود.

۵. نرخ مبادله

یکی دیگر از عواملی که در قدرت خرید تأثیر دارد، نرخ مبادله پول‌هاست، به اصطلاح نرخ ارز. مثلاً کسی که این روزها از

ایران به کشورهای دیگر سفر می‌کند، قدرت او برای خرید بسیار کاهش پیدا می‌کند؛ چون این پول در مبادله با سایر پول‌ها و ارزها در یک سطحی از ارزش قرار دارد. اما برعکس، کسانی که از برخی از کشورهای دیگر به ایران سفر می‌کنند، قدرت خرید آنها افزایش پیدا می‌کند؛ همان شخص در کشور خودش قدرت خریدش کم است، اما وقتی که ایران می‌آید قدرت خریدش افزایش پیدا می‌کند، و گاهی برعکس. لذا برخی سفرها برای بعضی بسیار مقرون به صرفه است و برای برخی اصلاً مقرون به صرفه نیست. این نرخ مبادله هم در واقع از عواملی است که تأثیر در قدرت خرید دارد.

اینها عواملی است که در حیطه اقتصاد اثرگذار است؛ در کنار اینها میزان تولید ناخالص ملی، توان اقتصادی، نیروی انسانی متخصص، منابع و معادن طبیعی و زیرزمینی، مجموعه‌ای از امور با هم در قدرت خرید تأثیرگذار هستند. به بیان دیگر، این عوامل یا باعث افزایش ارزش پول می‌شوند یعنی بالا رفتن قدرت خرید، یا موجب کاهش ارزش پول و کاهش قدرت خرید می‌شوند. این مطلبی است که در جلسه گذشته وعده داده بودیم که ذکر کنیم.

نظر شهید صدر درباره ذخیره ارزش

مطلب دیگری که در ادامه برای تبیین برخی جهات مربوط به نظریه شهید صدر لازم است مورد اشاره قرار گیرد و تا حدودی مهم است، هر چند خیلی به بحث ما ارتباطی ندارد، موضعی است که ایشان نسبت به ذخیره ارزش اتخاذ کرده‌اند. ما در گذشته چند مسأله را به عنوان کارکردهای پول یا وظایف پول ذکر کردیم؛ اگر به خاطر داشته باشید گفتیم یکی از کارکردهای پول این است که وسیله مبادله است. دوم اینکه واحد سنجش ارزش است؛ یک معیاری است که کالاها و خدمات با آن ارزش‌گذاری می‌شوند. سوم، ذخیره ارزش بود. البته این سه کارکرد توسط بسیاری از اقتصاددانان از قدیم الایام با اختلاف در برخی از این موارد ذکر شده است؛ بعضی‌ها دو مورد را ذکر کردند و برخی دیگر یکی را ذکر کردند؛ تعابیر مختلف است و این خودش یک بحث مستقلی دارد که در جای خودش باید به آن پرداخته شود. اما آنچه که من می‌خواهم عرض کنم این است که عمدتاً آن دو کارکرد اول توسط اندیشمندان مسلمان پذیرفته شده است؛ تقریباً اندیشمندان اسلامی در اینکه پول وسیله مبادله است، اتفاق نظر دارند؛ این یک چیزی است که فکر نمی‌کنم کسی از آنان (چه مورخین، چه محدثین و چه فقها که هر کدام به مناسبتی به این مسأله پرداخته‌اند) با آن مخالفت کرده باشد. اینکه واحد سنجش ارزش است هم نه مثل مورد اول، اما غالباً آن را پذیرفته‌اند. اما در مورد سوم، یعنی ذخیره ارزش، اختلاف صورت گرفته است؛ البته ما در گذشته گفتیم ذخیره ارزش در واقع براساس همان ارزش اهمیت پیدا می‌کند و به یک معنا بازگشت به آن می‌کند. حالا آن جهت را کنار بگذارید و ما فعلاً نمی‌خواهیم بگوییم مستقل است یا نه، این اهمیتی ندارد. عمده، ذخیره ارزش و نگهداری است؛ یعنی یک جایی ذخیره کردن ارزش به وسیله پول صورت می‌گیرد. ذخیره یک کالا مثل برنج به این است که انبار بگیرند و آن را ذخیره کنند؛ اما پول هم این خصوصیت را به نظر برخی یا جمع زیادی از اقتصاددانان دارد. در میان اندیشمندان اسلامی، بعضی‌ها گفته‌اند اساساً پول چنین وظیفه‌ای را بر عهده ندارد؛ یعنی شاید غالباً این را گفته‌اند؛ از جمله کسانی که از میان دانشمندان اسلامی این وظیفه را پذیرفته، ابن‌خلدون است. ابن‌خلدون این را به رسمیت شناخته و قبول کرده؛ اما غالباً گفته‌اند این با فلسفه وجودی پول سازگار نیست. اینکه پول را در یک گوشه‌ای نگهداری کنیم و از آن برای مبادله استفاده نکنیم، این با فلسفه وجودی پول سازگار نیست. یک عده دقیقاً نقطه مقابل این، گفته‌اند اگر ذخیره ارزش نفی شود، با فلسفه وجودی پول سازگار نیست.

در محیط اسلامی از یک منظر دیگری این نفی شده است؛ اما شهید صدر معتقد است که این جزء وظایف پول است و این را به عنوان یک کارکرد برای پول به رسمیت شناخته است. شهید صدر می‌گوید قبلاً در مبادلات که به صورت تهاتری انجام می‌شد، کالا وسیله مبادله و واحد سنجش ارزش کالا و خدمات بود؛ اما با پیدایش پول طبیعتاً مشکلات جدیدی پدید آمد که موجب انواع مظالم و بهره‌کشی شد. در اقتصاد تهاتری، یک نفر هم خریدار و هم فروشنده بود، یک چیزی را می‌فروشد و در عین حال یک چیزی را می‌خرد؛ اما در اقتصاد پولی، بین فروشنده و خریدار یا بین خرید و فروش یک چیزی به نام پول فاصله شد که تا قبل از آن چنین فصلی نبود، و این باعث تغییر شکل عمومی مبادلات شد. وجه آن هم این است که قبلاً هدف از تهاتر، رفع نیاز بود؛ یعنی یک کسی یک کالایی را نیاز داشت و آن را می‌خرید، و یک کسی کالایی را نیاز نداشت آن را می‌فروخت، یعنی این کالا را می‌داد و به جای آن چیزی را که مورد نیاز بود می‌گرفت. اما در اقتصاد پولی، خود کسب پول هدف شد؛ آن موقع کسب یک کالا هدف نبود، اما الان کسب پول خود، هدف شده است؛ چون پول با همه کالاها و خدمات قابل معاوضه بود. از اینجاست که میل به انباشتن پول افزایش پیدا کرد و این هم برای این بود که انباشتن پول نسبت به سایر کالاها یک مزیت‌هایی داشت. شما الان حساب کنید کسی بخواهد پولی را در جایی ذخیره کند یا معادل کالایی آن را ذخیره کند، این خیلی متفاوت است. ایشان می‌گوید پول قبلاً واسطه بین تولید و مصرف و وسیله مبادله بود، ولی بعداً وسیله تولید و انباشت شد؛ و این انباشت ثروت باعث بهم خوردن تعادل در تقاضا و عرضه است. حالا اینکه چگونه باعث بهم خوردن عرضه و تقاضا می‌شود، این خودش یک تحلیلی دارد؛ اینکه تقاضای کاذب شکل بگیرد، احتکار صورت بگیرد تا ارزش کالاها بالا برود؛ یعنی دخالت در ارزش اشیاء، تأثیرگذاری در ارزش اشیاء برای کسب پول بیشتر، برای ذخیره ارزش بیشتر. البته ایشان می‌گوید این خاصیت در درازمدت خودش باعث رکود می‌شود و به هر حال مشکلاتی را پدید می‌آورد.

ایشان معتقد است مشکل پول فقط این نیست، بلکه وام‌دهی و اعتبار دادن به افراد یا نهادها برای افزایش ثروت، این هم یک مشکل دیگر است. یعنی هم در قیمت کالاها تأثیر دارد و هم به وسیله آن یک ثروت جدید کسب می‌شود؛ همان چیزی که به عنوان ربا مطرح است، پول می‌دهند و با یک اضافه‌ای می‌گیرند، حالا یا بانک‌ها و نهادها یا اشخاص؛ این خودش موجب تمرکز ثروت گردیده و باعث می‌شود بسیاری از سرمایه‌ها از میدان تولید خارج شود و به سمت بانک‌ها برود. قهراً صاحبان این سرمایه‌ها تا آنجایی که سود بیشتری را از این طریق کسب کنند، دیگر سراغ تولید یا تجارت نمی‌روند؛ مثلاً فرض بفرمایید الان بهره‌های بانکی افزایش پیدا کند، تقریباً همین دو سه قبل بود که به خاطر مشکلاتی که در ترکیه پیش آمده بود، بهره‌های بانکی را تا ۴۰ درصد بالا بردند؛ یعنی یک زمانی زیر ۱۰ درصد بود، اما به خاطر تأثیراتی که فکر می‌کنند این کار دارد، این بهره را تا ۴۰ درصد بالا بردند.

به هر حال مسأله ذخیره ارزش از نظر شهید صدر یک واقعیتی است که از پول جدا شدنی نیست؛ یعنی لازمه وسیله مبادله بودن پول است؛ درست است امکان ذخیره ارزش پول، زمینه رباخواری را بیشتر می‌کند؛ اینکه پول این وظیفه را دارد که ذخیره ارزش باشد، رباخواری را بیشتر می‌کند، اما اگر ما این را نمی‌پسندیم و با ربا مخالف هستیم، دلیل بر این نمی‌شود که این وظیفه اصلی پول را نفی کنیم. پول یک وظیفه‌ای دارد که لازمه واسطه مبادله بودن است و آن هم ذخیره ارزش است، هر چند این ذخیره ارزش هم در دایره تولید مشکلاتی ایجاد می‌کند و هم در تجارت؛ ملاحظه فرمودید که یا میل به ربا را افزایش

می‌دهد یا میل به احتکار و همین چیزهایی که الان هست، برای اینکه روی قیمت‌ها اثر بگذارند و پول بیشتری کسب کنند؛ اما این باعث نمی‌شود که ما بگوییم ذخیره ارزش نیست. پس یک وظیفه عمده پول، ذخیره ارزش است. این را برای این گفتم که وقتی می‌گوید پول ذخیره ارزش است، یعنی پول می‌تواند قدرت خرید را ذخیره کند. این یک نکته کلیدی است که در بررسی‌های بعدی باید به آن توجه کنیم. پس این نکته هم در نظر شهید صدر باید مورد توجه قرار بگیرد؛ شهید صدر پول را وسیله مبادله می‌داند، واحد سنجش ارزش می‌داند، و در عین حال معتقد است ذخیره ارزش هم هست، با این بیانی که گفتیم. برخلاف کثیری از اندیشمندان اسلامی که اساساً چنین وظیفه‌ای را برای پول قائل نیستند و معتقدند این با فلسفه وجودی پول سازگار نیست.

«والحمد لله رب العالمین»